

## بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۱۳۹۷/۰۲/۱۴

### موضوع: «پاسخ به شبهات مهدویت - بررسی حدیث خلفای اثناعشر»

تقدیم به پیشگاه مقدس و باعظمت حضرت بقیة الله الأعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) صلواتی عنایت فرماید.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسیما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما كنا لنهتدی لولا أن هدانا الله

در جلسات گذشته سلسله بحث‌هایی پیرامون فرقه‌های انحرافی داشتیم به ویژه فرقه «أحمد الحسن» که با هزاران حيله و نیرنگ تلاش می‌کنند جوانان ما و بعضاً بعضی از طلبه‌های ناآگاه ما را فریب دهند. طرفداران او به بهانه‌های مختلف مبنی بر اینکه «أحمد الحسن» فرزند و وصی حضرت مهدی (ارواحنا له الفداء) است تلاش می‌کنند مردم را به سمت خود بکشانند. آن‌ها به بعضی از روایاتی که غیرمعتبر و ضعیف است استناد می‌کنند و روایات را تقطیع می‌کنند.

الحمد لله رب العالمین در فضای مجازی هم جوانان شیعه بیکار ننشستند. شاید بیش از ۶۰ سایت و وبلاگ در رد ادعاهای «أحمد الحسن» به ویژه تناقضات، کفریات، مطالب ضد قرآن، مطالب ضد سنت، مطالب ضد ائمه اطهار که در آثار او و طرفداران اوست، فعال است.

امشب با توجه به ایام نیمه شعبان ولادت باسعادت حضرت بقیة الله الأعظم می‌خواهم در رابطه با یکی از احادیثی که می‌توان گفت بهترین، جامع‌ترین و کامل‌ترین حدیث برای اثبات ولایت و امامت امیرالمؤمنین و امامت و ولایت ائمه اطهار و حضرت مهدی است، صحبت کنم.

این روایت مشهور به روایت «**خلفائی اثنا عشر**» است. نبی گرامی اسلام بارها فرمودند: جانشینان و اوصیاء من دوازده نفر هستند، نه کمتر و نه بیشتر.

این روایت جز با مذهب حقه شیعه دوازده امامی با هیچ یک از مذاهب اسلامی تطبیق نمی‌کند. این روایت نه با مذاهب اهل سنت، نه با مذاهب انحرافی شیعه همانند مذهب زیدیه، مذهب اسماعیلیه و دیگر مذاهب سازگاری ندارد.

جا دارد عزیزان به ویژه فضلا و طلاب گرامی به این روایت عنایت ویژه‌ای داشته باشند. ما در موارد بسیاری می‌توانیم از حدیث «**خلفائی اثنا عشر**» استفاده کنیم.

نکته ظریفی که در اینجا وجود دارد و در پایان مفصل به آن خواهم پرداخت، این است که قضیه خلفاء اثنا عشر یکی از احادیث قطعی، مسلم و متواتر است. شیعه و اهل سنت این حدیث را به تفصیل نقل کرده‌اند.

کتاب «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» که به عقیده اهل سنت صحیح‌ترین کتاب بعد از قرآن کریم است، هفده یا هجده مورد حدیث «**خلفائی اثنا عشر**» را مطرح کرده است. در منابع شیعه به عبارتهای مختلف حدیث «**خلفائی اثنا عشر**» به تفصیل آمده است.

مسئله قابل توجه این است که درباره «**خلفائی اثنا عشر**» مخالفان ما با ما شیعیان در دو مورد اتفاق نظر دارند. امیرالمؤمنین جزء «**خلفائی اثنا عشر**» است که هم شیعه آن را قبول دارد و هم اهل سنت. حضرت مهدی جزء «**خلفائی اثنا عشر**» است که هم شیعیان آن را قبول دارند و هم اهل سنت. بسیار جالب است اولین آنان

مشخص است، آخرین آنان مشخص است و در این میان بزرگان اهل سنت با مشکل مواجه شدند که این ده نفر چه کسانی اند؟

افرادی مانند «ابن حجر عسقلانی» که یکی از استوانه‌های علمی اهل سنت است، «ابن جوزی»، «مهلب»، «ابن عربی ناصبی» و دیگران تمام تلاش خود را به کار بردند تا این ده نفر را مشخص کنند و این دوازده نفر را معرفی کنند.

آنان در یک تقسیم بندی ابوبکر، عمر، عثمان و حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را جزء خلفای اثنا عشر معرفی کرده‌اند. حال هشت نفر باقی مانده چه کسانی هستند؟!

آنان سپس به سراغ معاویه بن ابی سفیان و یزید بن معاویه قاتل امام حسین (علیه السلام) رفتند. جالب است بدانید یکی از عجایب روزگار این است که امثال «ابن عربی»، «ابن جوزی» و «ابن حجر عسقلانی» شخصی همانند یزید را جزء خلفاء دوازده گانه شمرده‌اند.

معاویه و یزید و امام حسن مجتبی (علیه السلام) را هم آورده‌اند. با این وجود ائمه اثنا عشر را به هفت تن رساندند. حال الباقی چه کسانی هستند؟!

علمای اهل سنت که چاره دیگری نداشتند، «عمر بن عبد العزیز» را قرض گرفتند و به ائمه اثنا عشر چسبانند. حال دیگر چکار کنند؟! آن‌ها به صراحت گفتند: ما اصلاً معنای این حدیث را نفهمیدیم و اصلاً نمی‌فهمیم پیغمبر اکرم چه فرموده است!!

در کتاب «صحیح مسلم» و «صحیح بخاری» وارد شده است:

«لَا يَنْقُضِي حَتَّى يَمْضِيَ فِيهِمْ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً»

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسین القشیری النیسابوری، دار النشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ۳، ص ۱۴۵۲، ح ۱۸۲۱

:و

«لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِمًا حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ أَوْ يَكُونَ عَلَيْكُمْ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً»

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة قرطبة - مصر، ج ۵، ص ۸۹، ح ۲۰۸۶۲

:و

«مَا وَلِيَهُمْ اثْنَا عَشَرَ رَجُلًا»

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسین القشیری النیسابوری، دار النشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ۳، ص ۱۴۵۲، ح ۱۸۲۱

:و

«لَا يَزَالُ الْإِسْلَامُ عَزِيزًا إِلَى اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً»

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة قرطبة - مصر، ج ۵، ص ۹۰، ح ۲۰۸۷۰

حال نمی‌دانم در زمان یزید بن معاویه چه عزتی برای اسلام باقی مانده بود!! در روایت بعد وارد شده است:

«لَا يَزَالُ هَذَا الدِّينُ عَزِيزًا مَنِيْعًا إِلَى اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً»

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء

التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ٣، ص ١٤٥٣، ح ١٨٢١

در حدیث بعد وارد شده است:

«لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِمًا حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ أَوْ يَكُونَ عَلَيْكُمْ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً»

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء

التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ٣، ص ١٤٥٣، ح ١٨٢٢

جالب این است که «ابن کثیر دمشقی سلفی» شاگرد «ابن تیمیه» متوفای ٧٧٤ هجری در کتاب خود

می نویسد شخصی از «عبدالله بن مسعود» سؤال کرد:

«هل سألتم رسول الله كم يملك هذه الأمة من خليفة»

آیا شما سؤال نکردید خلیفه و جانشینان پیغمبر اکرم چند نفر هستند؟!

«ما سألتني عنها أحد منذ قدمت العراق قبلك»

تا به حال کسی از من چنین سؤالی نپرسیده بود.

«ثم قال نعم ولقد سألتنا رسول الله فقال إثنًا عشر كعدة نقباء بني إسرائيل»

سپس گفت: بله پرسیدیم. پیغمبر اکرم فرمود: جانشینان من دوازده نفر هستند به تعداد نقبای بنی

اسرائیل.

همچنانکه قرآن کریم هم همین را فرموده است. سپس می گوید:

«والظاهر أن منهم المهدي المبشر به في الأحاديث الواردة»

ظاهراً حضرت مهدی هم جزء این دوازده نفر است.

تفسیر القرآن العظیم، اسم المؤلف: إسماعیل بن عمر بن کثیر الدمشقی أبو الفداء، دار النشر: دار الفکر

- بیروت - ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۳۳، باب المائدة: ( ۱۲ - ۱۴ ) ولقد أخذ الله... ..

او در ادامه بحث‌هایی مطرح کرده است. در بعضی روایات وارد شده است که پیغمبر اکرم فرمودند: دوازده خلیفه بعد از من خواهند آمد.

«عَلِيٌّ مِنْ نَاوَاهُ لَا يَضُرُّهُ مِنْ فَارَقَهُ أَوْ خَالَفَهُ»

با آن‌ها دشمنی می‌کنند، امت من از آن‌ها جدا می‌شوند و عده‌ای با آن‌ها مخالفت می‌کنند.

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة قرطبة

- مصر، ج ۵، ص ۹۶، ح ۲۰۹۴۳

نبی گرامی اسلام تمام این مسائل را آورده است.

«لَا يَضُرُّهُ مُخَالَفٌ وَلَا مُفَارِقٌ»

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة قرطبة

- مصر، ج ۵، ص ۸۷، ح ۲۰۸۳۳

وضعیت اهل بیت (علیهم السلام) در این روایات کاملاً مشخص است. «اثنا عشر خلیفه» هم در آیه شریفه:

(وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَا عَشَرَ نَقِيبًا)

خدا از بنی اسرائیل پیمان گرفت، و از آن‌ها دوازده رهبر و سرپرست برانگیختیم.

سوره مائده (۵): آیه ۱۲

وارد شده است. جالب اینجاست که در کتاب «معجم الكبير» اثر «طبرانی» روایت جالبی وارد شده است. «طبرانی» متوفای ۳۶۰ هجری است و سه کتاب به نام‌های «معجم الصغير»، «معجم أوسط» و «معجم الكبير» دارد.

مشهور است که روایات «معجم الكبير» از ابتدا تا انتها معتبر است. در اینجا هم باز تعابیری وارد شده است که می‌گوید:

### «لا يضره مخالف ولا مفارق»

المعجم الكبير، اسم المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني، دار النشر: مكتبة الزهراء - الموصل - ١٤٠٤ - ١٩٨٣، الطبعة: الثانية، تحقيق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي، ج ٢، ص ١٩٦، ح ١٧٩٦

و:

### «لا يزال هذه الأمة مستقيم أمرها حتى يكون اثنا عشر خليفة»

اگر مردم این دوازده خلیفه را به عنوان خلیفه به حق انتخاب کنند، امور امت در صراط مستقیم است.

المعجم الكبير، اسم المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني، دار النشر: مكتبة الزهراء - الموصل - ١٤٠٤ - ١٩٨٣، الطبعة: الثانية، تحقيق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي، ج ٢، ص ١٩٦، ح ١٧٩٨

در احادیث اهل سنت از جمله کتاب «المستدرک علی الصحیحین» اثر «حاکم نیشابوری» روایتی وارد شده است که بنده هر وقت این عبارت را می‌خوانم با تمام وجودم زجر می‌کشم.

نبی گرامی اسلام با هزاران بیان حقایق را مطرح می‌کند، از سال سوم بعثت که خداوند می‌فرماید:

### (وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ)

خویشاوندان نزدیکت را انذار کن.

سوره شعراء (۲۶): آیه ۲۱۴

پیغمبر اکرم ولایت امیرالمؤمنین را مطرح می‌فرماید. همچنین در غدیر خم در میان جمعیت صد و بیست هزار نفری ولایت امیرالمؤمنین را مطرح می‌کند. حضرت در آخرین لحظات زندگی در حدیث قرطاس ولایت امیرالمؤمنین را مطرح می‌کند.

نکته جالب اینجاست که حضرت می‌فرماید:

«وإن ولیتموها علیا فهاد مهتد یقیمکم علی صراط مستقیم»

تنها راه رسیدن به صراط مستقیم امت انتخاب علی بن ابی طالب به خلافت امت است.

«هذا حدیث صحیح علی شرط الشیخین ولم یخرجاه»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری، دار النشر: دار

الکتب العلمیة - بیروت - ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۰ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ج ۳، ص

۱۵۳، ح ۴۶۸۵

جالب اینجاست که در کتاب «مسند البزار» یکی از کتب معتبر اهل سنت جلد هفتم صفحه ۲۹۹ وارد شده است:

«إن تستخلفوه ولن تفعلوا یسلک بکم الطریق و تجدوه هادیا مهدیا»

اگر علی بن ابی طالب را به عنوان خلیفه انتخاب کنید گرچه هرگز این کار را نخواهید کرد، او شما را در راه راست قرار می‌دهد و او را هادی و هدایت شده خواهید یافت.

البحر الزخار، اسم المؤلف: أبو بكر أحمد بن عمرو بن عبد الخالق البزار، دار النشر: مؤسسة علوم القرآن، مكتبة العلوم والحكم - بيروت، المدينة - ١٤٠٩، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. محفوظ الرحمن زين الله، ج ٧، ص ٢٩٩، ح ٢٨٩٥

این فرمایش رسول گرامی اسلام به این معناست که علی رغم تمام سفارشات و توصیه‌ها من می‌دانم که بعد از من علی بن ابی طالب را به عنوان خلیفه انتخاب نمی‌کنید. در کتاب «حلیة الأولیاء» اثر «أبو نعیم اصفهانی» جلد اول صفحه ٦٤ وارد شده است:

«إن تستخلفوا علیا وما أراکم فاعلین»

اگر علی را خلیفه قرار دهید، گرچه می‌دانم این کار را نمی‌کنید.

اوج مظلومیت نبی گرامی اسلام اینجاست. انسان باید برای قلب شکسته و پر از خون پیغمبر اکرم گریه کند.

«تجدوه هادیا مهديا یحملکم علی المحجة البیضاء»

حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء، اسم المؤلف: أبو نعیم أحمد بن عبد الله الأصبهانی، دار النشر: دار الکتب العربی - بیروت - ١٤٠٥، الطبعة: الرابعة، ج ١، ص ٦٤، باب ٤ علی بن ابی طالب

این هم دردی است که باید از کنارش گذشت تا فرزند نبی گرامی اسلام حضرت مهدی بیاید و حق مطلب را ادا کند.

نکته دیگر در حدیث «خلفائی اثنا عشر» که خیلی دردآور است و انسان باید بر قلب پر از خون نبی گرامی اسلام خون گریه کند، برخورد تند و زشت صحابه با رسول اکرم بوده است. اوج حدیث «خلفائی اثنا عشر» در حجة الوداع ده روز قبل از واقعه غدیر خم است.

افراد بسیاری ادعا می‌کنند که چرا پیغمبر اکرم در مکه علی بن ابی طالب را به عنوان خلیفه معین نکرد؟! چرا در منا و عرفات خلافت علی بن ابی طالب اعلام نشد؟!

جواب‌های زیادی به این سؤالات داده شده است. یکی از این جواب‌ها این است که در منا و عرفات مردم مشغول عبادت بودند و جمع کردن آن جمعیت در یک جا علی رغم وجود خیمه‌ها امکان پذیر نبود. ثانیاً نبی گرامی اسلام تابع وحی است.

**(إِنْ أَتَّبِعْ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ)**

من تنها از آنچه به من وحی می‌شود پیروی می‌کنم.

**سوره انعام (۶): آیه ۵۰**

جبرئیل روز هجدهم ذی الحجه نازل شده است و فرمود:

**(يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ)**

ای پیامبر آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است کاملاً (به مردم) برسان و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای.

**سوره مائده (۵): آیه ۶۷**

نزدیک ظهر جبرئیل آمد و این آیه را نازل کرد. بلافاصله نبی گرامی اسلام تشکیل نماز جماعت داد و ولایت امیرالمؤمنین را معرفی کرد.

آقای «آلوسی سلفی» متوفای ۱۲۷۰ هجری در کتاب «تفسیر روح المعانی» جلد ۶ صفحه ۱۹۳ در روایت صحیحی که در آن مناقشه هم نمی‌کند، از «عبدالله بن مسعود» نقل می‌کند:

اهل سنت و وهابيت بايد در خصوص اين روايت به ما توضيح بدهند. «ألوسی» شخصيتی برجسته است به طوری که آقای «زرکلی» در کتاب «الأعلام» در مورد او می‌گوید:

«كان سلفی الاعتقاد»

الكتاب: الأعلام للزرکلی، المؤلف: خيرالدين الزرکلی، مصدر الكتاب: موقع يعسوب، ج ۷، ص ۱۷۶، باب

الجزء ۷

او در کتاب خود از هر فحش و ناسزایی به شیعه فروگذاری نکرده است. با این حال او در کتاب خود می‌گوید:

«كنا نقرأ علی عهد رسول الله (صلى الله عليه و سلم) یاأيها الرسول بلغ ماأنزل اليك من ربك إن علیا ولی المؤمنین و إن لم تفعل فما بلغت رسالته»

ما این آیه را در زمان پیغمبر اکرم چنین می‌خواندیم: ای پیغمبر به مردم برسان که علی ولی امر مسلمین است. اگر این کار را انجام ندهی رسالت را ناتمام انجام داده‌ای.

روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، اسم المؤلف: العلامة أبی الفضل شهاب الدین السید محمود الألوسی البغدادی، دار النشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت، ج ۶، ص ۱۹۳، باب المائدة: (۶۷) یا أيها الرسول... ..

قبل از او آقای «شوکانی» سلفی العقیده و متمایل به وهابیت هم همین مطلب را بیان کرده است. در حال حاضر کتاب‌های «شوکانی» در عربستان سعودی به وفور چاپ می‌شود.

«شوکانی» در کتاب «فتح القدير» جلد ۲ صفحه ۶۰ همین روايت را از «عبدالله بن مسعود» نقل می‌کند و می‌گوید:

«نزلت هذه الآية (يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك) على رسول الله يوم غدیر خم فی علی بن أبی طالب رضی الله عنه وأخرج ابن مردويه عن ابن مسعود قال كنا نقرأ علی عهد رسول الله (يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك وإن لم تفعل فما بلغت رسالته والله يعصمك من الناس)»

فتح القدير الجامع بين فنى الرواية والدراية من علم التفسير، اسم المؤلف: محمد بن علی بن محمد الشوكاني، دار النشر: دار الفكر - بيروت، ج ۲، ص ۶۰، باب المائدة: (۶۷) يا أيها الرسول... ..

قبل از او آقای «سیوطی» متوفای ۹۱۱ هجری در کتاب «تفسیر الدرّ المنثور» جلد ۲ صفحه ۲۹۸ همین عبارت را نقل می‌کند. زمانی که این آیه با این تحقیق نازل می‌شود، نبی گرامی اسلام بلافاصله ولایت امیرالمؤمنین را اعلام می‌کند و می‌فرماید:

«من كنت مولاه فعلى مولاه»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۰ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفى عبد القادر عطا، ج ۳، ص ۱۱۸، ح ۴۵۷۷

:و

«من كنت وليه فعلى وليه»

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة قرطبة - مصر، ج ۵، ص ۳۵۰، ح ۲۳۰۱۱

امثال تعابیر مختلفی که داشتند. نکته جالب توجه این است ما به آقایانی که می‌گویند: "چرا در منا و عرفات بحث غدیر مطرح نشد؟!" می‌گوییم پیغمبر اکرم در عرفات فرمودند: ایها الناس! جانشینان من دوازده نفر هستند.

صحابه نگذاشتند سخن پیغمبر اکرم تمام شود و اجازه ندادند کلام رسول الله به پایان برسد. در کتاب «مسند أحمد بن حنبل» جلد ۵ وارد شده است:

«لَا يَزَالُ هَذَا الْأَمْرُ عَزِيزاً مَنِيْعاً يُضْرُونَ عَلِيَّ مِنْ نَاوَاهِمِ عَلَيْهِ إِلَى اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً»

راوی سپس می‌گوید:

«كَلِمَةً أَصَمَّنِيهَا النَّاسُ»

مردم به قدری سروصدا کردند که گوشم کر شد.

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة قرطبة

– مصر، ج ۵، ص ۹۸، ح ۲۰۹۶۴

راوی به صراحت می‌گوید: مردم نگذاشتند سخن پیغمبر اکرم را بشنوم. این روایت صحیح است. همچنین در جلد ۵ صفحه ۹۸ وارد شده است:

«لَا يَزَالُ هَذَا الْأَمْرُ عَزِيزاً إِلَى اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً فَكَبَّرَ النَّاسُ وَضَجُوا»

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة قرطبة

– مصر، ج ۵، ص ۹۸، ح ۲۰۹۶۵

مردم به هنگام سخن گفتن رسول الله شروع به تکبیر گفتن، ضجه زدن و فریاد برآوردن کردند و نگذاشتند سخن پیغمبر اکرم به گوش مردم برسد. این کار روی چه اصلی و برای چه منظوری بود؟! همچنین در کتاب «مسند أحمد بن حنبل» صفحه ۹۹ وارد شده است:

«لَنْ يَزَالَ هَذَا الْأَمْرُ عَزِيزاً ظَاهِراً حَتَّى يَمْلِكَ اثْنَا عَشَرَ كَلِمَةً ثُمَّ لَعَطَ الْقَوْمُ»

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة قرطبة - مصر، ج ۵، ص ۹۹، ح ۲۰۹۷۴

گفتنی است «لَعَطَ» به معنای جیغ و داد کشیدن و فریاد بی‌هدف برآوردن است. اطرافیان نگذاشتند سخن پیغمبر اکرم به گوش مردم برسد.

کلمه «لَعَطَ» را در نظر داشته باشید که به معنای جیغ و داد کشیدن، فریاد برآوردن و بیهوده صدای بلند کردن است. در روایت دیگر بازهم وارد شده است:

«لَا يَزَالُ هَذَا الدِّينُ عَزِيزاً مَنِيْعاً يَنْصُرُونَ عَلِيَّ مِنْ نَاوَاهِمَ عَلَيْهِ إِلَى اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً»

راوی می‌گوید:

«فَجَعَلَ النَّاسَ يَقُومُونَ وَيَقْعُدُونَ»

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة قرطبة - مصر، ج ۵، ص ۹۹، ح ۲۰۹۷۶

مردم دائماً می‌نشستند و بلند می‌شدند و اصلاً نمی‌گذاشتند دیگران پیغمبر اکرم را ببینند، چه رسد به اینکه صدای آن بزرگوار را بشنوند. پیغمبر اکرم می‌خواستند چه بگویند؟! حضرت می‌خواستند بفرمایند که خلفای من دوازده نفر هستند.

آیا این احتمال وجود ندارد که حضرت می‌خواستند در همانجا نام امیرالمؤمنین و یازده امام دیگر را معین بفرمایند؟! چرا این افراد سروصدا به راه انداختند؟! چرا داد و بیداد کردند؟! چرا تکبیر و ضجه کردند؟! چرا نگذاشتند صدای پیغمبر اکرم به گوش صحابه برسد؟!

علمای اهل سنت ادعا می‌کنند که چرا رسول اکرم در مکه علی بن ابی طالب را به خلافت انتخاب نکردند، در حالی که این روایات گویای حقیقت است. جالب است که بنده وقتی این مباحث را بیان می‌کنم، حدیث قرطاس برایم تداعی می‌شود.

کلمه «لَغَطٌ» در دو مورد آمده است؛ یک بار در قضیه خلفایی اثناعشر در عرفات و منا آمده است و بار دیگر در آخرین لحظه‌ای که پیغمبر اکرم از دنیا می‌رود درخواست می‌کنند تا کاغذ و قلم بیاورند تا چیزی بنویسند که قوم بعد از آن بزرگوار گمراه نشوند.

در کتاب «صحیح بخاری» روایتی وارد شده است که می‌نویسد:

«هَلُمَّ أَكْتُبْ لَكُمْ كِتَابًا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدَهُ»

در این موقعیت باید مسلمانان به جای کاغذ برای پیغمبر اکرم جان می‌آوردند و می‌گفتند: یا رسول الله! ما حاضریم قلب خود را بشکافیم تا این مطالب را بر روی قلب ما بنویسید. این برخوردها چه معنایی داشت؟!

«وَإِخْتَلَفَ أَهْلُ الْبَيْتِ اخْتَصَمُوا فَمِنْهُمْ»

صحابه با یکدیگر درگیر شدند و شروع به مخالفت و مخاصمت کردند.

«أَكْثَرُوا اللَّغَطَ وَالْإِخْتِلَافَ»

صحابه شروع به گفتن حرف‌های لغو و بیهوده کردند.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ٦، ص ٢٦٨٠، ح ٦٩٣٢

آن‌ها به پیغمبر اکرم نسبت هذیان دادند، همو که قرآن کریم در شأن آن بزرگوار می‌فرماید:

(وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ)

و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید. آنچه آورده چیزی جز وحی نیست که به او وحی شده است.

سوره نجم (٥٣): آیات ٣ و ٤

همچنین در کتاب «صحيح بخارى» در حديث ديگري وارد شده است:

«قال عُمَرُ إِنَّ النَّبِيَّ غَلَبَهُ الْوَجَعُ وَعِنْدَنَا كِتَابُ اللَّهِ حَسْبُنَا فَأَخْتَلَفُوا وَكَثُرَ اللَّغَطُ»

در این روایت هم کلمه «لَغَطُ» به معنای جیغ و داد بیهوده و فریاد بی‌هدف است. پیغمبر اکرم که مفتخر به:

(وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ)

و تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری.

سوره قلم (٦٨): آیه ٤

است، فرمود:

«قَوْمُوا عَنِّي»

از خانه من بیرون بروید.

«فَخَرَجَ بِنِ عَبَّاسٍ يَقُولُ إِنَّ الرِّزِيَةَ كُلَّ الرِّزِيَةَ مَا خَالَ بَيْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَبَيْنَ كِتَابِهِ»

ابن عباس خارج شد در حالی که می‌گفت: مصیبت از زمانی شروع شد که مانع نوشتن نامه پیغمبر اکرم شدند.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ١، ص ٥٤، ح ١١٤

پیغمبر اکرم می‌خواستند چه مطالبی بنویسند؟! دوستان عزیز مشاهده کنید آقای «بدرالدین عینی» یکی از استوانه‌های علمی اهل سنت و یکی از شارحین منصف «صحيح بخاری» است.

ایشان همانند «ابن حجر» یا «قسطلانی» متعصب نیست و در «شرح صحيح بخاری» توضیحاتی می‌دهد که کاملاً روایات را شرح می‌دهد به طوری که انسان متوجه مضمون کلمات می‌شود.

«ابن حجر عسقلانی» و «قسطلانی» روایات را گزینشی توضیح داده‌اند، اما «عینی» کلمه به کلمه و حرف به حرف کتاب «صحيح بخاری» را توضیح داده است. ایشان در جلد دوم صفحه ١٧١ می‌نویسد: پیغمبر اکرم چه چیزی می‌خواست بنویسد تا مردم گمراه نشوند؟!

شما حرف ایشان را با عمل صحابه که در مقابل فرمایشات پیغمبر اکرم جیغ و داد کشیدند، قرینه قرار دهید. ایشان می‌نویسد:

«أنه أراد أن ينص على الإمامة بعده»

پیغمبر اکرم می‌خواست امامت بعد از خود را در این نامه بنویسد.

«وقال سفيان بن عيينة: أراد أن ينص على أسامي الخلفاء بعده حتى لا يقع منهم الاختلاف»

سفیان بن عیینہ می گوید: پیغمبر اکرم در آخرین لحظه می خواست نام خلفا را بنویسد

عمدة القاری شرح صحیح البخاری، اسم المؤلف: بدر الدین محمود بن أحمد العینی، دار النشر: دار

إحياء التراث العربی - بیروت، ج ۲، ص ۱۷۱، ح ۱۱۴

پیغمبر اکرم می خواست اسامی خلفای دوازده گانه ای که در مکه نگذاشتند بنویسند را در آخرین لحظه بنویسند تا دیگر «ابن کثیر»، «ابن حجر»، «ابن جوزی» و دیگران افرادی مانند یزید و معاویه و دیگران را جزء خلفاء اثنا عشر معرفی نکنند. «شهد شاهد من أهلها»!!

«ابن حجر» هم همین عبارت را در کتاب «شرح صحیح بخاری» جلد اول صفحه ۲۰۹ نقل می کند و می نویسد:

«أراد أن ينص على أسامي الخلفاء بعده حتى لا يقع بينهم الاختلاف»

فتح الباری شرح صحیح البخاری، اسم المؤلف: أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی،

دار النشر: دار المعرفة - بیروت، تحقیق: محب الدین الخطیب، ج ۱، ص ۲۰۹، ح ۱۱۴

«قسطلانی» هم این عبارت را در کتاب خود نقل می کند. «أحمد امین مصری» که یکی از دانشمندان معاصر مصری است، در کتاب «یوم الإسلام» این عبارت را نقل می کند و می نویسد:

«قد أراد الرسول في مرضه الذي مات فيه أن يعين من يلي الأمر من بعده»

پیغمبر اکرم در آخرین لحظه زندگی می خواست اسامی کسانی که خلافت و امامت بعد از خود را متولی می شوند، بنویسد.

یوم الاسلام ، احمد امین مصری، ص ۴۱

متأسفانه نگذاشتند پیغمبر اکرم سخن حق را مکتوب کند. اجازه بدهید اسامی آقایانی که در رابطه با خلفاء اثنا عشر مطالبی آوردند را برای شما عرض کنم.

درگیری‌هایی که اهل سنت در شرح این حدیث دارند بسیار جالب است. در کتاب «ینابیع المودة» اثر «قندوزی» وارد شده است که پیغمبر اکرم می‌خواستند بفرمایند:

**«کلهم من بنی هاشم»**

**ینابیع المودة لذوی القربی، المؤلف: القندوزی، ج ۲، ص ۳۰۵، ح ۹۰۸**

اطرافیان فهمیدند، سروصدا کردند و نگذاشتند سخن رسول الله به گوش مردم برسد. در کتاب «شرح سنن ترمذی» اثر «ابن عربی مالکی» یکی از ناصبی‌های پست روزگار است. من در میان نواصب بی‌حیا تر از او ندیدم. او در جلد نهم این کتاب می‌گوید: این دوازده نفر از قبیل ابوبکر، عمر، عثمان، معاویه، یزید و دیگران را شمردیم. در ادامه می‌گوید: اگر بگوییم این افراد متعلق به بنی امیه هستند به مشکل برمی‌خوریم، زیرا بنی امیه بیست و شش نفر بودند.

همچنین اگر بگوییم این افراد متعلق به بنی عباس هستند باز هم به مشکل برمی‌خوریم، زیرا بنی عباس سی و پنج نفر بودند. او در نهایت می‌گوید:

**«لم اعلم للحديث معنى»**

**اصلاً معنای حدیث را نفهمیدم.**

**عارضة الاحوذی بشرح سنن الترمذی، ابوبکر بن العربی، ج ۹، ص ۶۹، دار الکتب العلمیه - بیروت.**

«ابو الفرج ابن جوزی» در کتاب «کشف المشکل عن حدیث الصحیحین» می‌گوید:

«أطلت البحث عنه»

درباره خلفای اثنا عشر بحث‌های طولانی کردم.

«و تطلبت مظانه»

هرجایی که احتمال دادم کسی در مورد این حدیث مطلبی نوشته باشد مطالعه کردم.

«وسألت عنه»

از هرکسی که احتمال می‌دادم معنای حدیث را فهمیده باشد سؤال کردم.

«فما رأيت أحدا وقع على المقصود به»

اما نتوانستم کسی را پیدا کنم که مراد پیغمبر اکرم را فهمیده باشد.

كشف المشكل من حديث الصحيحين، اسم المؤلف: أبو الفرج عبد الرحمن ابن الجوزي، دار النشر: دار

الوطن- الرياض - ١٤١٨ هـ - ١٩٩٧ م.، تحقيق: علي حسين البواب، ج ١، ص ٤٤٩، ح ٤٢٧

«ابن حجر عسقلانی» هم همین عقیده را دارد. آقای «نووی» هم در کتاب «شرح صحیح مسلم» بعد از بحث و

بررسی می‌گوید: خلاصه ما نتوانستیم بدانیم که مراد پیغمبر اکرم از این دوازده نفر چیست.

«والله أعلم بمراد نبیه»

خداوند به مراد پیغمبر اکرم عالم‌تر است.

صحیح مسلم بشرح النووی، اسم المؤلف: أبو زكريا يحيى بن شرف بن مری النووی، دار النشر: دار

إحياء التراث العربی - بیروت - ١٣٩٢، الطبعة: الطبعة الثانية، ج ١٢، ص ٢٠٣، ح ٨١٨

حرف او به این معناست که پیغمبر اکرم این حدیث را برای خداوند فرموده است، برای مردم نفرموده است!!  
فردای قیامت نبی گرامی اسلام می فرماید: خدایا! من این روایت را برای تو گفتم. چرا به این روایت عمل  
نکردی؟!؟

مشاهده کنید اگر تنها کمی انصاف باشد، خلفای اثنا عشر جز مذهب شیعه دوازده امامی با هیچ مذهبی تطبیق  
نمی کند. ما روایات متعدد از علمای اهل سنت داریم که نام ائمه اطهار را از امیرالمؤمنین تا حضرت مهدی با  
اسم و مشخصات آوردند!!

دوستان قضیه به قدری روشن است و به قدری حقانیت اهل بیت (علیهم السلام) و شیعه واضح است که گمان  
می کنم اگر کسی به اندازه سر سوزن انصاف داشته باشد و تعصب را کنار بگذارد حقیقت را درک خواهد کرد.

بنده این مطالب را تنها به عنوان یک شیعه عرض نمی کنم، زیرا حدود ۴۶ سال است که در حوزه علمیه هستم و  
عمده عمر خود را به مطالعه کتب اهل سنت سپری کردم. تنها مذهبی که حقانیت آن در کتب مخالفینش با  
سندهای صحیح آمده است، مذهب تشیع است.

مخالفین، ادله مختلف از جمله حدیث وصایت، حدیث خلافت، حدیث امامت، حدیث غدیر، حدیث منزلت،  
حدیث خلفاء اثنا عشر، حدیث ثقلین و دیگر احادیث را کنار گذاشتند و ادعا می کنند که پیغمبر اکرم ابوبکر را به  
عنوان خلیفه معین کرده است!

بنده می خواهم مطلبی به عنوان یادگاری به دوستان بدهم که خیلی روی این قضیه کار کردم. بنده شاید بیش از  
هزار ساعت وقت گذاشتم تا ببینم دلیل این افراد بر خلافت ابوبکر چیست.

بنده یک فایل ۶۰۰ صفحه‌ای گردآوری کردم که اگر امسال فرصتی باشد، چاپ کنیم و در اختیار دیگران قرار دهیم. بنده برای گردآوری این فایل هزار ساعت وقت گذاشتم و چند تن از دوستان را هم وادار به این کار کردم که شاید چندین هزار ساعت هم آن‌ها وقت گذاشتند.

در نهایت مشاهده کردیم عمده دلیلی که علمای اهل سنت از جمله «ابن حجر»، «فخر رازی» آوردند این بود که می‌گویند دلیلی بالاتر از این برای حقانیت ابوبکر می‌خواهید که پیغمبر اکرم وقتی از دنیا می‌رفتند در جمع تمامی صحابه از جمله علی بن ابی طالب فرمود:

«مُرُوا أَبَا بَكْرٍ لِيَصِلَ بِالنَّاسِ»

به ابوبکر بگویید تا نماز بخواند.

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة قرطبة

- مصر، ج ۱، ص ۲۰۹، ح ۱۷۸۴

پیغمبر اکرم ابوبکر را به امامت دین ما منصوب کرد. ما او را امام در دنیا قرار ندهیم؟! «فخر رازی» این روایت را در کتاب «تفسیر» خود با آب و تاب فراوان نقل می‌کند و از قول یکی از بزرگان می‌گوید: این عبارت باید با طلا نوشته شود!

اولاً باید بگوییم پیغمبر اکرم در آخرین بیماری خود فرمود: قلم و کاغذ بیاورید، اما خلیفه دوم ادعا کرد که رسول الله هذیان می‌گوید. ولی وقتی که پیغمبر اکرم به ابوبکر دستور دادند نماز بخواند، بهترین دلیل برای انتخاب او به خلافت بعد از خود است!!؟

آیت الله العظمی سبحانی نقل می‌کردند: من به مصر رفته بودم و علمای دانشگاه الأزهر هم جمع شده بودند. روحانی پیرمردی شروع به صحبت کرد، مرا پدرانۀ نصیحت کرد و گفت: "شیخ جعفر سبحانی! دل ما به حال شما می‌سوزد که فردای قیامت گرفتار آتش جهنم می‌شوید.

غضب خداوند را نداشته باشید و مشاهده کنید پیغمبر اکرم از میان صحابه ابوبکر را برای امامت انتخاب کرد در حالی که علی بن ابی طالب، «ابن عباس»، «سلمان» و دیگران حضور داشتند."

آیت الله العظمی سبحانی نقل می‌کنند که ایشان حدود نیم ساعت توضیح داد، اما من در نهایت گفتم: «شیخنا! ولكن الرجل قد يهجر». زمانی که این حرف را زدم، این بنده خدا سرش را پایین انداخت و از خجالت نتوانست حرف بزند. زمانی که پیغمبر اکرم می‌فرماید:

**«هَلُمُّ أَكْتُبْ لَكُمْ كِتَابًا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدَهُ»**

ادعا می‌کنند که پیغمبر اکرم هذیان می‌گوید، اما زمانی که می‌فرماید:

**«مُرُوا أَبَا بَكْرٍ لِيَصِلَ بِالنَّاسِ»**

ادعا می‌کنند که فرمایش رسول الله واقعیت دارد. اگر چنین باشد «ابن أم مكتوم» سیزده بار در جای پیغمبر اکرم نماز خوانده است. بنده (اسکن) صفحات کتب را هم دارم، اما در حال حاضر فرصت نیست تا این مطالب را نشان بدهم. بنده به دنبال این بودم تا ببینم روایت:

**«مُرُوا أَبَا بَكْرٍ لِيَصِلَ بِالنَّاسِ»**

در کجاست و مشاهده کردم که در کتاب «صحیح بخاری» جلد اول صفحه ۲۵۱ حدیث ۶۸۰ و ۶۸۱ این روایت وارد شده است. پیغمبر اکرم به ابوبکر دستور دادند تا نماز بخواند و ابوبکر هم برای خواندن نماز می‌رود.

بلافاصله پس از اینکه ابوبکر برای خواندن نماز به مسجد می‌رود، پیغمبر اکرم متوجه می‌شوند که او در حال نماز خواندن در مسجد است.

حضرت به صحابه دستور می‌دهند که مرا به مسجد برسانید و زمانی که به مسجد می‌آیند ابوبکر را کنار می‌زنند و خود در محراب می‌نشینند و مردم پشت سر آن بزرگوار نماز می‌خوانند.

این مسئله به معمایی تبدیل شده است که بنده نتوانستم آن را حل کنم. همچنین از هرکسی از بزرگان اهل سنت سؤال کردم به نتیجه نرسیدم. این معما یکی از معماهایی است که تا به حال کسی نتوانسته آن را حل کند.

«وكان رسول الله يصلّي قاعداً يقتدى أبو بكرٍ بِصَلَاةِ رسول الله وَالنَّاسُ مُقْتَدُونَ بِصَلَاةِ أَبِي بكرٍ رضی الله

عنه»

رسول الله در نماز ایستاده بود در حالی که ابوبکر به رسول الله اقتدا کرده بود و مردم به ابوبکر اقتدا کرده بودند!

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار

ابن كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ١، ص

٢٥١، ح ٦٨١

خیلی معجزه است!! ما گفتیم پیغمبر اکرم نشسته نماز می‌خواند. کسی که ایستاده نماز می‌خواند اقتدا کردن به شخصی که نشسته نماز می‌خواند یا صحیح است و یا باطل است.

اگر باطل است، نماز ابوبکر که به پیغمبر اکرم اقتدا کرده است باطل است و اقتدا به نماز باطل هم باطل است.

اگر نماز پیغمبر اکرم صحیح است، چرا مردم به پیغمبر اکرم اقتدا نکردند!؟

«يُقْتَدَى أَبُو بَكْرٍ بِصَلَاةِ رَسُولِ اللَّهِ وَالنَّاسُ مُقْتَدُونَ بِصَلَاةِ أَبِي بَكْرٍ»

ابوبکر در نماز به پیغمبر اکرم اقتدا کرد و مردم هم به ابوبکر اقتدا کردند.

گویا رسول گرامی اسلام همانند برق‌های چند هزار وات است و حتماً احتیاج به ترانس است تا فشار آن گرفته شود. آیا چنین فعلی در طول ۲۳ سال عمر پیغمبر اکرم صورت گرفته است؟! اهم دلیلی که ادعا می‌کنید باید با طلا نوشته شود همین است؟!

جالب اینجاست که در روایت قبل وارد شده است:

«وَأَبُو بَكْرٍ يَسْمَعُ النَّاسَ التَّكْبِيرَ»

و ابوبکر برای مردم اذان می‌گفت.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ١، ص ٢٥١، ح ٦٨٠

دوستان عزیز بنده نه به عنوان یک شیعه این مطالب را عرض می‌کنم و اصلاً تعصب شیعه را کنار می‌گذارم. بنده تنها به عنوان یک انسان بی‌طرف ادله محکم شیعه بر امامت امیرالمؤمنین را بیان می‌کنم.

«علامه حلی» در این خصوص «ألفین» می‌نویسند و هزار دلیل بر حقانیت حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و هزار دلیل بر بطلان دیگران بیان می‌کند. این مطالب ادله بزرگوارانی است که مطالبی در این خصوص مطرح می‌کنند.

بنابراین یکی از مسائلی که امروزه طرفداران «أحمد الحسن» مطرح می‌کنند، بحث خلفای اثنا عشر است. ان‌شاءالله بنده در جلسات بعد استدلال طرفداران «أحمد الحسن» را به خلفای اثنا عشر مفصل بیان می‌کنم و در این خصوص صحبت می‌کنم.

در کتاب «سنن ابن ماجه» که بنا به نقلی یکی از صحاح سته است در رابطه با کسانی که در سپاه حضرت مهدی (ارواحنا له الفداء) حرکت می‌کنند، می‌نویسد:

**«فَإِذَا رَأَيْتُمُوهُ فَبَايَعُوهُ وَلَوْ حَبْوًا عَلَى التُّلْجِ»**

با سپاهی که با پرچم مشکی می‌آید بیعت کنید، ولو به منزله راه رفتن روی برف باشد.

**«فَإِنَّهُ خَلِيفَةُ اللَّهِ الْمَهْدِيِّ»**

زیرا صاحب این پرچم خلیفه خدا مهدی است.

سنن ابن ماجه، اسم المؤلف: محمد بن یزید أبو عبدالله القزوينی، دار النشر: دار الفكر - بیروت -،

تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ۲، ص ۱۳۶۷، ح ۴۰۸۴

یکی از جنایاتی که طیف «أحمد الحسن» کردند، این است که کلمه «اللَّهِ» را حذف کردند و گفتند: «فَإِنَّهُ خَلِيفَةُ الْمَهْدِيِّ»!! مشاهده کنید در کتاب «البحر الزخار» وارد شده است:

**«فَإِذَا رَأَيْتُمُوهُ فَبَايَعُوهُ وَلَوْ حَبْوًا عَلَى التُّلْجِ فَإِنَّهُ خَلِيفَةُ اللَّهِ الْمَهْدِيِّ»**

البحر الزخار ، اسم المؤلف: أبو بكر أحمد بن عمرو بن عبد الخالق البزار ، دار النشر : مؤسسة علوم

القرآن ، مكتبة العلوم والحكم - بيروت ، المدينة - ۱۴۰۹ ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : د. محفوظ الرحمن

زين الله، ج ۱۰، ص ۱۰۰، ح ۴۱۶۳

همچنین «حاکم نیشابوری» در کتاب خود می‌نویسد:

### «إذا رأيتموه فبايعوه ولو حبوا على الثلج فإنه خليفة الله المهدي»

مضمون روایت این است که رسول گرامی اسلام می‌فرماید: پرچم‌های سیاهی از طرف مشرق می‌آید و با شما قتال بی‌حد و حصر می‌کنند. با آن‌ها بیعت کنید ولو بصورت چهار دست و پا رفتن بر روی برف باشد. در مورد سند روایت وارد شده است:

### «هذا حديث صحيح على شرط الشيخين»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۰ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ج ۴، ص ۵۱۰، ح ۸۴۳۲

کار به جایی رسیده است که «بن باز» مفتی اعظم عربستان سعودی هم نتوانست این روایت را جابجا کند. او در کتاب خود می‌نویسد: «خليفة الله المهدي» جزء اثنا عشر خليفه‌ای است که می‌آید. اگر پرچم او را دیدید با او بیعت کنید، ولو به سختی راه رفتن بر روی برف باشد.

بنابراین قضیه «خلفائی اثنا عشر» و اینکه حضرت مهدی (ارواحنا له الفداء) جزء این خلفا است توسط علمای اهل سنت از جمله «ابن کثیر دمشقی» وارد شده است. او در کتاب خود می‌نویسد:

### «ولاتقوم الساعة حتى تكون ولايتهم لامحالة والظاهر أن منهم المهدي»

تفسیر القرآن العظیم، اسم المؤلف: إسماعیل بن عمر بن کثیر الدمشقی أبو الفداء، دار النشر: دار الفکر - بیروت - ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۳۳، باب المائدة: (۱۲ - ۱۴) ولقد أخذ الله... ..

آقای «سیوطی» در کتاب «تاریخ الخلفاء» اسامی «معاویه» و «عبدالله بن زبیر» و «عمر بن عبدالعزیز» را جزء خلفا می‌آورد و می‌گوید:

"چهار تن از خلفای اثنا عشر را بیان کردیم و چهار تن دیگر باقی می‌ماند. ما منتظر دو تن از خلفای اثنا عشر هستیم. یکی از آنها مهدی است."

ما نمی‌دانیم شخص دیگری که «سیوطی» منتظر اوست، چه کسی است. ظاهراً او فراموش کرده است نام این خلیفه را بیان کند. آقای «هیثمی» به همین شکل روایت را بیان می‌کند.

همچنین در «سایت مجمع فقهی مکه مکرمه» به صراحت وارد شده است: "حضرت مهدی آخرین خلفاء اثنا عشری است که پیغمبر اکرم در کتب «صحاح» از او خبر داده است.

اعتقاد به قیام حضرت مهدی واجب است و این یکی از عقاید اهل سنت و جماعت است. جز افراد جاهل و بدعت‌گذار کسی وجود حضرت مهدی را انکار نمی‌کند."

بنابراین ثابت شد یکی از ادله محکم ما بر خلافت امیرالمؤمنین، خلافت ائمه اطهار و خلافت حضرت مهدی (ارواحنا فداه) حدیث شریف «[خلفائی اثنا عشر](#)» است.

البته در کتاب‌های شیعه طبق آنچه در ذهن دارم حدود ۳۵ روایت با سندهای مختلف بحث «[خلفائی اثنا عشر](#)» را آورده‌اند.

ما در کتب متعدد علمای اهل سنت روایاتی داریم که با سندهای معتبر آورده‌اند. آقای «جوینی» استاد «ذهبی» می‌گوید:

پیغمبر اکرم فرمود: من سید پیامبران و علی بن ابی طالب سید وصیین است. اوصیاء من دوازده نفر هستند. اولین آنها علی و آخرین آنها حضرت مهدی (ارواحنا له الفداء) است.

در کتاب «فرائد السمطين» اثر «جوینی» و «مقتل الحسين» اثر «خوارزمی» روایتی از نبی گرامی اسلام بیان شده است. گفتنی است «جوینی» استاد «ذهبی» است که از او به «استاد بی بدیل» تعبیر می‌کند. همچنین «خوارزمی» یکی از علامه‌های دهر و اخطب‌خوایب است. در این کتب روایتی از نبی گرامی اسلام نقل شده است که حضرت فرمودند: من در شب معراج به عرش نگاه کردم. دیدم در آنجا نوشته شده است:

**«علی و فاطمة و الحسن و الحسين و علی بن الحسين و محمد بن علی و جعفر بن محمد»**

تا زمانی که به نام حضرت مهدی می‌رسد، می‌نویسد:

**«کانه کوكب درى بينه»**

ستاره درخشانی در میان دیگر ائمه بود.

خداوند عالم فرمود: ای پیامبر! آن‌ها حجت‌های من بر بندگان من هستند، آن‌ها اوصیاء تو هستند. مهدی جزء این خلفا است و از قاتلین عترت انتقام خواهد گرفت. به عزت و جلالم قسم او از دشمنان من انتقام می‌گیرد و عزت به دوستانم می‌بخشد.

**پرسش:**

طرفداران «أحمد بن اسماعیل» می‌گویند: دوازده مهدی قبل از امام مهدی قیام می‌کنند.

**پاسخ:**

آن‌ها معتقدند که دوازده مهدی بعد از حضرت مهدی قیام می‌کند. ما قبلاً هم در این خصوص مطالبی بیان کردیم. تنها حدیث وصیت و حدیث غیبت اثر «شیخ طوسی» است.

اولاً سند این روایت مخدوش است. این روایت دو یا سه راوی مجهول دارد. همچنین یکی از راویان به نام «ابن خلیل» در این روایت است که ضعیف و کذاب است.

علاوه بر این باید گفت که رسول اکرم به صراحت می‌فرماید: مسئله وصیت مربوط به زمان وفات حضرت مهدی (ارواحنا له الفداء) است. در کتاب «الغیبة» اثر «شیخ طوسی» وارد شده است:

**«سَيَكُونُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا وَ مِنْ بَعْدِهِمْ اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا»**

بعد از من دوازده امام و بعد از آن‌ها دوازده مهدی خواهند آمد.

ما روایات فراوانی داریم که نام ائمه اطهار و خلفاء اثنا عشر در آن‌ها آمده است ولی در هیچ روایتی نیامده است که بعد از دوازده امام، دوازده مهدی هم داریم. این روایت، تنها روایتی است که این مطلب در آن آمده است. بنده عرض کردم که این روایت کاملاً ضعیف است و دو یا سه راوی مجهول و ضعیف در این روایت وجود دارد. علاوه بر این در این روایت بیان شده است:

**«فَذَلِكَ اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا ثُمَّ يَكُونُ مِنْ بَعْدِهِ اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا»**

بعد از این دوازده امام، دوازده مهدی خواهند آمد.

**«فَإِذَا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ فَلْيَسَلْمَهَا إِلَى ابْنِهِ أَوَّلِ الْمُقَرَّبِينَ»**

هنوز که حضرت مهدی ظهور نکرده است و وفات حضرت مهدی هم اتفاق نیفتاده است، این افراد چه غلطی می‌کنند؟! آیا این چنین هتاک‌آمیز کردن نسبت به سخنان معصومین (علیهم السلام) ناروا نیست؟!؟

**«لَهُ ثَلَاثَةٌ أَسْمَاءُ اسْمُ كَاسِمِي وَ اسْمُ أَبِي وَ هُوَ عَبْدُ اللَّهِ وَ أَحْمَدُ وَ الْإِسْمُ الثَّلَاثُ الْمَهْدِي»**

الغیبة (للطوسی) / کتاب الغیبة للحجة، نویسنده: طوسی، محمد بن الحسن، تاریخ وفات مؤلف: ۴۶۰ ق،

محقق / مصحح: تهرانی، عباد الله و ناصح، علی احمد، ص ۱۵۰، باب الکلام علی الواقفة

لازم به ذکر است که او «أحمد الحسن» نام دارد، نه «عبدالله» و «مهدی»؛ مگر اینکه کارت شناسایی خود را به ما نشان دهد تا مشخصات او را ببینیم.

**پرسش:**

درست است که «ناصر الدین ألبانی» در کتاب خود روایات اثنا عشر را بیان کرده است؟!

**پاسخ:**

یکی از کسانی که خلفای اثنا عشر را تصحیح کرده است، آقای «ألبانی» است که این روایت را در کتاب «سلسلة الأحادیث الصحيحة» آورده است.

اجازه بدهید بنده دعا کنم. ان شاءالله در این جلساتی که نام اهل بیت برده شد قطعاً دعاها به اجابت می‌رسد. ان شاءالله عزیزان ما هم با حضور قلب آمین بگویند. اگر یکی از آمین‌ها به اجابت برسد، ان شاءالله همه حاجت روا خواهیم شد.

خدایا تو را به آبروی حضرت محمد و آل محمد و به آبروی حضرت صدیقه طاهره سوگند می‌دهیم هرچه سریع‌تر فرج مولای ما حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداء) را نزدیک بگردان. خدایا انقلاب ما را به انقلاب جهانی‌اش متصل بفرما.

خدایا خدمتگزاران به حضرت صاحب الزمان بالأخص مقام معظم رهبری موفق و مؤید مدار. خدایا ما را از یاران خاص، سربازان فداکار و شهدای رکابش قرار بده.

خدایا رفع گرفتاری از همه گرفتاران بنما. خدایا حوائج حاجت‌مندان و حوائج جمع ما به حق حضرت حجة بن الحسن برآورده نما. خدایا دعاهاى ما را به اجابت برسان.

هدیه به ارواح پاک انبیاء، اولیاء، صدیقین، صالحین، شهدا بالأخص امام راحل صلواتی ختم بفرمایید.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته